

آن نامه «حکم حکومتی» بود یا...؟

لازم و قانونی را از آغاز نداشته‌اند و شورای نگهبان و مجلس به هر علت، در تأیید صلاحیت آنان دچار اشتباه و غفلت شده‌اند.

تردیدی که در افکار عمومی ثبت شد اگر موضوع به همین مقاله محدود می‌شد، این فرض قابل قبول بود که یک فرد مسئول عقیده شخصی خود را ابراز کرده است، اما وقتی دو روز بعد آیت‌الله واعظ طیبی نماینده ولی فقیه در استان خراسان که عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام و مسئولیت تولیت آستان قدس رضوی را هم داراست، گفت که «کسی که ملتزم به ولایت فقیه نیست صلاحیت حضور در مجلس را ندارد»، مشخص شد که مجلس شورای اسلامی در آینده باید تجربه جدیدی را از سر بگذراند.

چند روز بعد نیز آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان در خطبه‌های نماز جمعه (۷۹/۵/۲۸) یا بیان این‌که: «وکالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی محدود است» گفت: «وکالت نمایندگان مجلس شورای اسلامی نامحدود نیست که هر کاری دلشان می‌خواهد، بکنند».

ابراز این نظریه که یک نماینده و یا عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در میانه دوره نمایندگی‌شان هم ممکن است از سوی شورای نگهبان سلب صلاحیت شوند، سرفصل جدیدی در حیات این رکن مهم جمهوری اسلامی ایران که بنیانگذار آن، امام خمینی (ره)، آن را «در رأس همه امور» دانسته، گشوده است. اگر این تفکر مورد حمایت شخصیت‌های دیگر قرار گیرد، آنگاه در ماه‌های آینده باید انتظار رویدادهای تعیین‌کننده‌ای را داشته باشیم.

پذیرش و مشروعیت بخشیدن به نظریه فوق می‌تواند بر کار اکثریت مجلس کنونی اثرات مهم و تعیین‌کننده‌ای بگذارد. چند پیش‌فرض در زمینه تحولات احتمالی به این شرح است:

● اگر گروهی از نمایندگان مرعوب احتمال اجرای این نظریه جدید شوند، طبیعی است اکثریت نمایندگان موسوم به فراکسیون دوم خرداد با تشنت آراء درونی مواجه خواهد شد. ● در صورت ایجاد تزلزل در فراکسیون اکثریت، برنامه اصلاحات جبهه دوم خرداد و

نامه مقام رهبری «حکم حکومتی» بود؟ اگر بوده، چرا روزنامه حیات نو، طی مقاله‌ای در این زمینه نکات تردید برانگیزی را مطرح کرده است؟

این دو رویداد تا هم‌اکنون تحولاتی را موجب شده که موجودیت برخی از مهم‌ترین ارکان کنونی کشور را زیر یک علامت سؤال بزرگ برده است. به عنوان نمونه، برای اولین بار این فرض مطرح شده است که شورای نگهبان می‌تواند از نماینده یا نمایندگانی که خود صلاحیت آن‌ها را تأیید کرده و سپس با آرای مردم به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند و مجلس هم اعتبارنامه آنان را تأیید کرده، سلب صلاحیت کند.

این نظریه را بار نخست آیت‌الله رضا استادی سخنگوی شورای نگهبان ابراز کرد. وی در مقاله‌ای که روز ۲۵ مردادماه در روزنامه جمهوری اسلامی انتشار یافت متذکر شد که اگر نمایندگان مجلس در طول دوره نمایندگی نسبت به اسلام و ولایت فقیه عدم التزام عملی نشان دهند، شورای نگهبان وظیفه دارد که عدم صلاحیت آنان را به مردم اعلام کند... مجلس شورای اسلامی هم نباید کسانی را که از نظر شورای نگهبان دارای صلاحیت نیستند و عدم پایبندی آنان به اسلام و ولایت فقیه و قانون اساسی عملاً کشف شده، نماینده مردم به شمار آورد. این نمایندگان، در واقع شرایط

سرفصل مهم‌ترین رویدادهای سیاسی داخلی در ماه گذشته به این شرح بود:

● گروهی از روزنامه‌نگاران و نویسندگان نشریات وابسته به جریان دوم خرداد یکی بعد از دیگری بازداشت شدند.

● پرونده نوار امیر فرشاد ابراهیمی همچنان در کانون توجه بود.

● چند شخصیت در مورد پرونده قتل‌های محفلی اظهارنظرهایی کردند که تغییری در وضعیت ابهام‌آمیز آن ایجاد نکرد.

● فعالیت جنبش دانشجویی - به ویژه دفتر تحکیم وحدت - به حداقل رسید.

● معاون اول قوه قضاییه اعلام کرد عده‌ای از قضات با برداشت از تفسیر قانون برای تعطیلی مطبوعات مخالفند و به زودی از برخی روزنامه‌ها رفع توقیف خواهد شد.

● طرح اصلاح قانون مطبوعات به دلیل ارسال نامه‌ای از سوی مقام رهبری از دستور کار مجلس خارج شد.

● مطبوعات و سخنگویان محافظه‌کاران حذف این اصلاحیه را بسیار مهم، و در راستای مصون‌سازی انقلاب از توطئه‌های خارجی ارزیابی کردند.

● نمایندگان اکثریت مجلس شیوه حذف اصلاحیه مزبور را مورد انتقاد قرار دادند.

● انجمن‌های اسلامی بازار و اصناف تهران در حمایت از حذف آن اصلاحیه، در برابر مجلس شورای اسلامی اجتماع کردند.

● وزارت کشور این اجتماع را به دلیل آن‌که بدون مجوز تشکیل شده بود، غیرقانونی اعلام کرد و به صدا و سیما که قبل و بعد از تشکیل این اجتماع اطلاعیه‌ها و اخبار مربوط به آن را پخش کرده بود، ایراد گرفت.

● روابط عمومی صدا و سیما در پاسخی شدیدالحن وزارت کشور و شخص وزیر این وزارتخانه را مورد حمله قرار داد.

● وزارت کشور متقابلاً اطلاعیه داد و اعلام کرد «صدا و سیما دولت را نشانه گرفته است».

● ... حکایت همچنان ادامه دارد.

در میان این رویدادها، حذف اصلاحیه قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، تبعات آن و آغاز جنگ اعلامیه‌ای بین صدا و سیما و وزارت کشور نقطه عطفی جدی در تاریخ دو دهه اخیر کشور محسوب می‌شود.

دولت آقای خاتمی با خطر توقف جدی تر مواجه می‌شود.

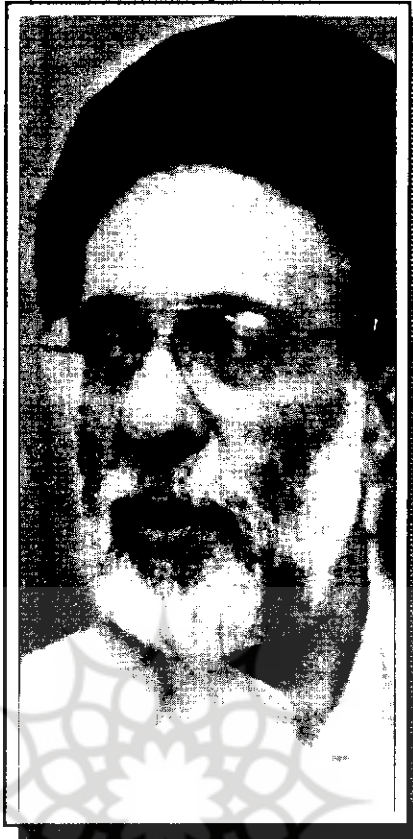
● اگر نمایندگان تحت تأثیر این نظریه قرار گیرند و شورای نگهبان مصمم به سلب صلاحیت برخی از نمایندگان شود، علاوه بر پیامدهای ناشناخته سیاسی این تصمیم، جایگاه مجلس شورای اسلامی متزلزل خواهد شد.

● اگر چنین تصمیمی اجرا شود، ارائه تعریف تازه‌ای برای اصل جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی اجتناب‌ناپذیر خواهد شد. زیرا چنین وضعی ارزش و اهمیت آراء مردم را مشمول تعریف تازه‌ای خواهد کرد که تاکنون سابقه نداشته است. در عمر جمهوری اسلامی ایران ما یک بار شاهد ابطال آراء مردم بوده‌ایم که آن هم از طریق همین مجلس شورای اسلامی، به عنوان نماینده آراء عمومی، انجام شده است. این مورد، عزل بنی‌صدر، اولین رییس‌جمهور در جمهوری اسلامی ایران بوده است.

● همین سابقه، اثبات‌کننده این نظریه است که از نظر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، آراء مردم در مشروعیت بخشیدن به نظام و تصمیم‌گیری‌های آن، انکارناپذیر است. بنابراین، اجرای چنان تصمیمی مستلزم آن است که در مقابل نظریه و باور امام خمینی (ره) مستندات و ادله‌ای ارائه شود که افکار عمومی بپذیرد چنین تصمیمی ناقض نظریات بنیانگذار جمهوری اسلامی و اصول شرعی نیست. از طرفی، چون کسانی که نظریه فوق را مطرح کرده‌اند، روحانیونی با سابقه و از ارکان قدیم نظام هستند، نمی‌توان پذیرفت بدون توجه به این موضوع حساس و در نظر گرفتن اثرات چنین ابداع بی‌سابقه‌ای، سخن گفته باشند.

● یک فرض خوش‌بینانه این است که با توجه به تبعات ناشناخته اجرای چنین تصمیمی، موضوع مسکوت بماند، که در این حالت هم، این سؤال باقی می‌ماند که چرا برخی افسراد، شورای نگهبان را «شمشیر داموکلس» معرفی می‌کنند؟ حتی اگر این فرض خوش‌بینانه تحقق یابد، باز هم اثر منفی آن در خاطره و شعور جمعی مردم باقی می‌ماند و آنان را نسبت به مشارکت در انتخابات آتی مردود خواهد ساخت.

مردم از این پس با این پرسش مواجه خواهند بود: ما فقط حق داریم به نامزدهایی که شورای نگهبان معرفی می‌کند رأی دهیم، اگر قرار باشد این رأی هم بعداً باطل شود، چه سودی در رأی دادن است؟



حجت‌الاسلام هادی خامنه‌ای؛ اگر وی اندکی هم تردید داشت، اجازه چاپ مقاله «رییس مجلس نباید...» را نمی‌داد

تفسیر درست یا نادرست؟

عاملی که چنین وضعی را به وجود آورد، به اصلاحیه پیشنهادی فراکسیون اکثریت برای اصلاح قانون مطبوعات مربوط می‌شود. طرح این اصلاحیه که قرار بود پیش از آغاز تعطیلات تابستانی مجلس بررسی شود، به دلایل ناشناخته (مثلاً، شاید برای چانه‌زنی پشت پرده) به بعد از پایان تعطیلات تابستانی موکول شد. در این فاصله شخصیت‌های جناح محافظه‌کار و رسانه‌های وابسته به این جناح، مخالفت شدید خود را با این اصلاحیه ابراز کرده بودند. این جناح که توانسته بود در آخرین ماه‌های عمر مجلس پنجم قانون مطبوعات را تغییر دهد و مواد و تبصره‌های مطلوب خود را در آن بگنجانند، امید داشت مخالفت سرسختانه‌اش اکثریت مجلس را وادارد دست‌کم در بخشی از اصلاحیه پیشنهادی خود تجدیدنظر کند. اما چنین نشد و اصلاحیه مورد نظر نمایندگان دوم خرداد با همان محتوا در دستور کار مجلس قرار گرفت.

چنان‌که می‌دانیم در روز بررسی اصلاحیه، نامه‌ای از مقام رهبری در مجلس قرائت شد که به خارج شدن اصلاحیه مزبور از دستور کار مجلس منجر گردید. این امر تبعاتی در پی داشت که آثار آن هنوز هم کاملاً مشخص نشده است.

جناح راست و شخص آقای کروبی، رییس مجلس، نامه مقام رهبری را «حکم حکومتی» معرفی کرده‌اند. در روزهای نخست، حتی نمایندگان فراکسیون اکثریت بی‌آن‌که در مورد این تفسیر چند و چون کنند، ابراد می‌گرفتند با فرض این‌که نامه مزبور حکم حکومتی است، روش صحیح این بود که اصلاحیه مزبور مطرح شود تا نمایندگان رأی به منتفی شدن آن بدهند. این گروه در روزهای اولیه بر هیأت ریسه مجلس می‌تاخندند که روش حذف اصلاحیه مورد بحث برخلاف آیین‌نامه داخلی مجلس بوده است. اما در روزهای بعد نظریاتی مطرح شد که «حکم حکومتی» بودن نامه مقام رهبری را با تردید مواجه کرد. مهم‌ترین و قابل‌اعتناترین نظریه‌ای که در این زمینه مطرح شد، مقاله‌ای بود که در روزنامه حیات نو، به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی حجت‌الاسلام سید هادی خامنه‌ای (برادر مقام معظم رهبری) انتشار یافت. مضمون مقاله چنین می‌نماید که نیت رهبری از ارسال این نامه، نصیحت و توصیه بوده و نه اِعمال حکم حکومتی.

باید توجه داشت مدیر مسئول این روزنامه اگر در مورد محتوای مقاله (حکم حکومتی نبودن نامه مورد بحث) اندک تردیدی داشت اجازه چاپ آن را نمی‌داد. با فرض این‌که روابط برادری هم موجب نمی‌شود مقام معظم رهبری همه مسایل را با حجت‌الاسلام سید هادی خامنه‌ای در میان بگذارند، معهذاً باید مطمئن بود مدیر مسئول روزنامه حیات نو، با علم به حساسیت موضوع، تا تحقیق کافی نکرده و به نتیجه مطلوب نرسیده باشد، اجازه انتشار مقاله مزبور را که متن آن در انتهای همین تحلیل چاپ شده است، نمی‌داد.

اینک، و با توجه به محتوای مقاله زیر و توضیحاتی که در فراز فوق ارائه شد، در مقابل این پرسش قرار می‌گیریم که چه عاملی سبب شد تا هیأت ریسه مجلس، موضوع اصلاحیه مورد نظر فراکسیون دوم خرداد در مورد قانون مطبوعات را با آن شیوه جنجال برانگیز و تنش‌آفرین از دستور کار مجلس حذف کند؟

- دستپاچگی،
- بی‌سلیسگی،
- بد فهم کردن و ناشی‌گری سیاسی.

- یا...؟

علت هرچه باشد (که بی‌تردید در آینده مشخص خواهد شد) آن نوع رفتار سبب شد تا تنش‌های سیاسی بالا بگیرد و کار به جایی برسد که کسانی نظریاتی ارائه کنند که یکی از اصول نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی اصل جمهوریت را زیر سؤال ببرد.

اینک متن مقاله فوق‌الذکر را که در شماره ۶۲ روزنامه حیات نو - چهارشنبه ۲۶ مرداد - چاپ شده است، مطالعه فرمایید:

رئیس مجلس نباید فرصت را از دست بدهد

مصطفی جلال‌زاده

اتفاقات سیاسی کشور، از مقوله رویدادهای غیرقابل اعتنایی نیست که با شنیدن اخبار آن، خود را مستغنی از پیگیری تبعات آن بدانیم، بلکه بحث و بررسی پیرامون این‌گونه اتفاقات ضرورت حتمی دارد.

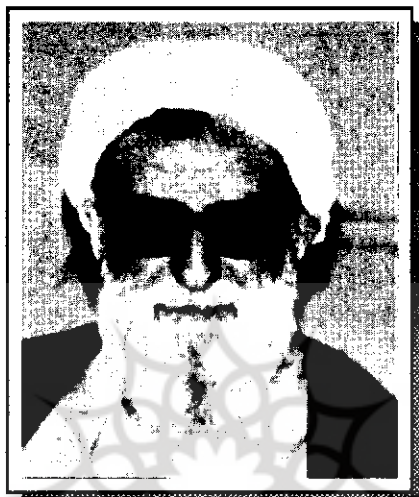
رویدادهای دامنه رفیع حاکمیت، آن‌گونه که روز یکشنبه شانزدهم مردادماه جاری در مجلس شورای اسلامی رخ داد، از جمله حوادثی است که باید از نگاه‌های مختلف مورد توجه جدی قرار گیرد و به آن پرداخته شود.

بنده در رابطه با جریان شکل‌گیری رخداد روز یکشنبه در صحن مجلس نکاتی را قلمی می‌کنم که اگر در تاریخ مطبوعات ایران، موضوع پرداختن به «قانون مطبوعات در مجلس ششم» مورد اعتنای اهل تحقیق قرار گرفت، حواشی آن از نظریات گوناگون نیز برخوردار باشد.

۱- اگر رئیس مجلس شورای اسلامی، طرح اصلاح قانون مطبوعات را از دستور کار مجلس خارج نمی‌کرد، شلوغی صحن مجلس تا اندازه‌ای که شنیدیم و از تلویزیون دیدیم، پیش نمی‌آمد، زیرا عموم نمایندگان جناح اکثریت، به این اقدام آقای کروبی ابراد داشتند و البته حمایت‌های بی‌دریغ که جناح اقلیت و همفکران آنان در خارج مجلس، از آقای کروبی می‌کنند، عموماً به دلیل بی‌توجهی او به نظر اصلاح‌طلبان می‌باشد. القابی چون اصول‌گرا، ارزشی، مخلص و... کلماتی نیستند که مخالفین اصلاحات آن‌ها را شایسته آقای کروبی بدانند، بلکه نوعی نان قرضی است که به احتمال زیاد، روزی از او پس خواهند گرفت.

۲- خارج نکردن طرح اصلاح قانون مطبوعات از دستور کار مجلس، به نظر بنده هیچ‌گونه مخالفتی با نظر مقام معظم رهبری نداشت. این‌که آقای کروبی نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با این طرح را حکم حکومتی عنوان کرد، برای این بود که خود را از

اقدام اعتراض بر انگیزش تبرئه نماید، زیرا همه می‌دانند حکم حکومتی، شکستن سکوت یا اعلام نظر رهبری نیست، بلکه حکم بر حسب آنچه در قاموس‌ها آمده امر، فرمایش، ابلاغ فرمان و در واقع دستور برای اقدام می‌باشد و این معنی و مضمون، یعنی امر به خارج کردن طرح از دستور مجلس، در نامه آیت‌الله خامنه‌ای، نه به ایما و نه به صراحت نیامده است.



آیت‌الله واعظ طیبی:
او هم به نوعی نظر آیت‌الله استادی را تأیید کرد

۳- بعضی‌ها معتقدند، همین اعلام موضع رهبر انقلاب درباره قانون فعلی مطبوعات و طرح اصلاحیه جدید، یعنی امر و نهی، من نمی‌دانم آیا مقام رهبری هم این حرف را قبول دارند که اعلام نظر یعنی امر و نهی یا نه؟ اما با پذیرش این اعتقاد، باز هم خارج کردن طرح از دستور از آن مستفاد نمی‌شود، بلکه نهی از تصویب طرح ارائه شده از کمیسیون فرهنگی، از آن استفاده می‌شود.

نامه رهبر انقلاب خطاب به رئیس مجلس و نمایندگان محترم است، انتخاب کردن این عنوان برای صدور نامه، نشان همین برداشت می‌باشد. اگر منظورشان خارج کردن طرح از دستور بود، اولاً نامه خطاب به هیأت رئیسه مجلس نوشته می‌شد و ثانیاً ذکری از قصدشان مبنی بر خارج شدن طرح از دستور، به میان می‌آمد.

۴- این برداشت غیربیبجیده از نامه رهبری، برای آقای کروبی کار را آسان‌تر می‌کرد اگر می‌گفت طرح را مسکوت می‌گذاریم تا کمیسیون فرهنگی اشکالات غیرشرعی و ضدامنیتی آن را

برطرف کنند و دوباره به صحن مجلس بیاورند. از نامه آیت‌الله خامنه‌ای برمی‌آید که قانون فعلی مطبوعات (مصوب مجلس پنجم) نیز نتوانسته نظرات کامل معظم‌له را برآورده سازد. زیرا در این نامه آمده است: «قانون کنونی تا حدودی نتوانسته است مانع از بروز این آفت بزرگ شود» عبارت «تا حدودی» از کمال مطلوب می‌گاهد.

کمیسیون فرهنگی مجلس که در رأس آن شخصی قرار دارد که سابقه ارتباط وی با مقام رهبری دامنه‌دار است، می‌توانست پس از دیدن نامه مذکور جلسه‌ای در حضور ایشان تشکیل دهد و نظرات معظم‌له را پیرامون اشکالات قانون فعلی، فاصله بین تا حدودی و کمال مطلوب و موارد غیرشرعی و خلاف مصلحت نظام اصلاحیه جدید را جویا شود و نسبت به رفع آن اقدام نماید.

۵- متأسفانه روش غسوغاسالاری و موج‌آفرینی رقبای اکثریت مجلس و مخالفین اصلاح‌طلبان، به گونه‌ای در فرهنگ سیاسی امروزه جا افتاده است که نظر آقای کروبی مبنی بر حکم حکومتی بودن نامه آیت‌الله خامنه‌ای را پرچمی می‌سازند که برای همیشه، در مقابل بازگرداندن طرح اصلاحیه قانون مطبوعات برافرازند و هر اقدامی در جهت اصلاح قانون مطبوعات فعلی را که به طور کامل مورد قبول رهبر انقلاب هم نیست، مقابله با نظام و رهبری قلمداد نمایند و هر فردی از درون مجلس یا بیرون آن درخواست طرح مجدد قانون مطبوعات به منظور اصلاح آن را بدهد، متهم به ضدولایت فقیه شود.

۶- آیا آقای کروبی، در مقابل سوءاستفاده‌هایی که از اقدام او مبنی بر خارج کردن «طرح اصلاح قانون مطبوعات» از دستور مجلس می‌شود و ضایعاتی را که این سوءاستفاده‌ها به روند اصلاحات وارد می‌کنند، چه پاسخی خواهد داد.

قطعاً جلوگیری از ضایعات آتی و کمک به جامعه مدنی و اصلاحات، و نیز جریان ضربه‌ای که بر اثر تشنج روز یکشنبه به مجلس ششم وارد شد، باید اولین دغدغه رئیس مجلس باشد و آن باز کردن باب گفتگو و آوردن طرحی برای اصلاح قانون مطبوعات که نقطه نظرات رهبر معظم انقلاب و ریاست محترم جمهوری در آن گنجانده شده باشد، اگر آقای کروبی دیر بچنبد و این فرصت را مخالفان اصلاحات از او بگیرند، معلوم نیست آیندگان درباره او چه قضاوت خواهند کرد.

